

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سفر برای زیارت

دوره یازدهم، شماره پنجم

نام جزوه: سفر برای زیارت

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

- از دیدگاه قرآن و سنت..... ۵
- الف: از دیدگاه قرآن..... ۵
- ب: از دیدگاه احادیث..... ۱۳
- حدیث نخست..... ۱۵
- حدیث دوم..... ۱۶
- حدیث چهارم..... ۱۸
- زیارت پیامبر در احادیث عترت طاهره (علیها السلام).... ۱۹
- سفر برای زیارت مرقد پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله)..... ۲۳
- السلام علیک یا رسول الله..... ۲۵
- دستاویز تحریم کنندگان سفر..... ۳۲
- زنان و زیارت قبور..... ۳۵
- زیارت قبور و حفظ اصالت‌ها..... ۴۰

از دیدگاه قرآن و سنت

الف: از دیدگاه قرآن

قرآن مجید به مسلمانان دستور می‌دهد که به حضور پیامبر رسیده، در محضر او استغفار کنند و از او بخواهند که او نیز درباره آنان طلب آمرزش کند:

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا

اللَّهِ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا؛^۱

هرگاه آنان زمانی که بر خویش ستم کرده اند (مرتکب خلاف شده اند) نزد تو (ای رسول خدا) بیایند و استغفار کنند و از خدا آمرزش بخواهند و

۶ / سفر برای زیارت

پیامبر نیز برای آنان طلب آمرزش نماید هر آینه خداوند را توبه پذیر و رحیم خواهند یافت.

تقی الدین سُبکی، محقق اهل سنت، معتقد است: مسلمانان، در حال حاضر نیز، به حکم این آیه می‌توانند به حضور رسول خدا برسند و در ضمن استغفار، از او بخواهند که درباره آنان از خداوند طلب آمرزش کند. به گفته وی هرچند این آیه مربوط به دوران حیات پیامبر است، ولی درخواست آمرزش از او، اختصاص به زمان حیات او ندارد، زیرا این مقامی است که به رسول خدا (به نشانه عظمت او) داده شده است و با مرگ او از میان نمی‌رود.^۱

دوره یازدهم، شماره پنجم / ۷

ممکن است گفته شود: آنچه در آیات فوق آمده، حاکی از شئون پیامبر و نشانه عظمت اوست، ولی انجام این عمل از سوی پیامبر، تنها در حال حیات او امکان‌پذیر است، نه در حال ممات، که رابطه ما با او قطع شده است.

ایراد فوق وارد نیست و حق با محقق یادشده است. دلایل زیر روشن می‌کند که مرگ رسول خدا در این مورد تأثیری نداشته و حیات و ممات او از این نظر، یکسان است.

۱ - مرگ از نظر قرآن پایان زندگی انسان نیست. بلکه دریچه‌ای است به جهان دیگر و گسترده‌تر و همه چیز آن برتر از جهان پیشین بوده، و انسان در آن جهان زنده و بینا و شنواست. به ویژه صالحان، پس از

۸ / سفر برای زیارت

مرگ نزد خدا روزی می‌خورند و از لذات روحی خاصی بهره مندند.^۱

۲. در روایات فراوان از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) وارد شده است که فرشتگان، درودی را که مسلمانان بر پیامبر می‌فرستند به او می‌رسانند و انسان در هر نقطه‌ای به آن حضرت درود بفرستد به وی می‌رسد. چنانکه می‌فرماید:

صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ صَلَاتِكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ؛^۲

۱. سوره آل عمران، آیات ۱۶۹ و ۱۷۱؛ سوره بقره، آیه ۱۵۴؛ سوره یس، آیات ۲۶ - ۲۷ و غیره.

۲. التاج الجامع للأصول فی أحادیث الرسول، ج ۲، ص ۱۸۹ در این کتاب روایات صحاح پنجگانه (جز سنن ابن ماجه) گردآوری شده است.

دوره یازدهم، شماره پنجم / ۹

بر من درود بفرستید، درود شما به من - در هر
کجا باشید - می‌رسد.

۳. کثیری، از مسلمانان در تشهدِ آخر نماز به
پیامبر (صلی الله علیه وآله) سلام می‌کنند و درود
می‌فرستند و می‌گویند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

این سلام، جنبه تشریفاتی نداشته و سلامی
است کاملاً واقعی از شخص زنده‌ای به زنده‌ای
به‌نوعی دیگر که مثل او شنوا است.

امور فوق، حاکی از این است که پیامبر در
جهان برزخ زنده بوده و ارتباط او با ما برقرار است.
سخن ما را می‌شنود و درخواست ما را در شرایط
خاصی انجام می‌دهد. در این صورت جا دارد که
بگوییم که آیه موردنظر، از وسعت خاصی برخوردار

۱۰ / سفر برای زیارت

بوده و هم اکنون ما را به حضور در نزدش دعوت می‌کنند و دستور می‌دهند که به حرم آن بزرگوار وارد شویم و استغفار کنیم و از او بخواهیم در حقّ ما استغفار کند و لذا در زیارت‌نامه رسول خدا نیز که همگان در حرم مطهر می‌خوانند، وارد شده و زائر قبر آن حضرت با توجه به این آیه از ایشان درخواست می‌کند که در حق او طلب آمرزش کند، و اصولاً زیارت جز حضور زائر در محضر مَزور و فرستادن درود و درخواست دعا، چیز دیگری نیست.

بنابراین، دو آیه فوق‌الذکر می‌توانند گواه قرآنی بر استحباب زیارت مرقد پیامبر باشند.

در صفحات گذشته یادآور شدیم که بعد از درگذشت پیامبر (صلی الله علیه وآله)، عربی از خارج

دوره یازدهم، شماره پنجم / ۱۱

مدینه وارد شهر شد و ضمن تلاوت این آیه به رسول
خدا چنین خطاب کرد:

و قد جئتک مستغفراً من ذنبی مُستشفِعاً بک
إلی ربّی.^۱

نکته مهم همان است که در کلام سُبکی
وارد شده و آن این است که: دعوت مسلمانان به رفتن
در حضور رسول خدا و درخواست طلب آمرزش از
وی برای خویش، نشانه تعظیم و تکریم پیامبر است
و مسلماً این تکریم اختصاص به زمان حیات آن
حضرت ندارد، زیرا عظمت روحی وی و مقام و
منزلتش نزد خداوند، امری ثابت و جاودان بوده و
محدود و مخصوص به زمان خاصی نیست.

۱. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۶۱؛ الدرر السنیة، ص ۲۱.

۱۲ / سفر برای زیارت

به همین علت، مفسران معتقدند احترام رسول خدا، به دوران حیات او اختصاص ندارد و پس از مرگ نیز احترام او باید محفوظ شود. حتی آیه‌ای نیز که مسلمانان را به آهسته سخن گفتن در محضر پیامبر (صلی الله علیه وآله) دعوت می‌کند هم‌اینک به قوت خود باقی است، آنجا که می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ

صَوْتِ النَّبِيِّ؛^۱

ای افراد با ایمان صدای خودتان را از صدای

رسول خدا بالاتر و بلندتر قرار ندهید.

دوره یازدهم، شماره پنجم / ۱۳

لذا در حرم آن حضرت، نباید داد و فریاد کرد؛ و این آیه مبارکه بر بالای ضریح آن حضرت نوشته شده و قرن‌هاست که نصب العینِ زوَّارِ مسلمان قرار دارد.

ب: از دیدگاه احادیث

داوری قرآن درباره زیارت قبر پیامبر را دیدیم. اکنون وقت آن رسیده است که از داوری احادیث در این مورد آگاه شویم.

روایات مربوط به زیارت مرقد پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) در کتب حدیث وارد شده و جمعی از علمای مسلمان به گردآوری و تصحیح اساتید آنها همت گمارده‌اند که به‌عنوان نمونه برخی از آنان را یادآور می‌شویم:

۱۴ / سفر برای زیارت

۱. تقی الدین سُبُکی (م ۷۵۶) در کتاب «شفاء السقام» ۱۵ روایت با ذکر سند نقل کرده و به تصحیح سند آنها پرداخته است.^۱

۲. نورالدین علی بن احمد سمهودی (م ۹۱۱) در کتاب ویژه خود درباره تاریخ مدینه، ۱۷ روایت در این مورد نقل کرده و اسانید آن‌ها را تصحیح کرده است.^۲

۳. محمد فُقّی از علمای أزهَر با حذف اسانید، متون روایات مربوط به زیارت آن حضرت را نقل کرده و در این مورد به ۲۲ روایت دست‌یافته است.^۳

۱. شفاء السقام، صص ۵ - ۳۵.

۲. وفاء الوفاء به اخبار دار المصطفی، ج ۴، صص ۱۳۳۶-۱۳۴۸.

۳. التوسل و الزیارة فی الشریعة الإسلامیة، صص ۴۸ - ۵۰.

دوره یازدهم، شماره پنجم / ۱۵

۴. علامه امینی با تتبعی شایان تقدیر، روایات مربوط به زیارت را گردآوری کرده و تنها روایت نخست را که به آن اشاره خواهیم کرد از چهل و یک کتاب نقل نموده است.^۱

نقل همه این روایات با اسانید و تصحیح آنها، در این مختصر نمی‌گنجد، لذا فقط به نقل برخی از روایات اکتفا کرده و علاقه‌مندان به تفصیل را به مدارک یادشده در بالا ارجاع می‌دهیم.

حدیث نخست

دارقطنی، به‌طور مستند، از عبدالله بن عمر نقل می‌کند که پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود:

من زار قبری و جبت له شفاعتی؛^۱

هر کس قبر مرا زیارت کند شفاعت از او، بر
من لازم می گردد.

حدیث دوم

طبرانی در معجم کبیر و غزالی در احیاء علوم از
عبدالله بن عمر نقل می کنند که پیامبر (صلی الله علیه
وآله) فرمود:

من جاءنی زائراً لا تحمله حاجة إلا زیارتي كان
حقاً علیّ أن أكون له شفیعاً یوم القيامة؛^۲

۱. دارقطنی، السنن، ج ۲، ص ۲۷۸، باب المواقیف، حدیث
۱۹۴، الأحكام السلطانیة، ص ۱۰۵، این حدیث را علامه امینی
از ۴۱ مصدر حدیثی و فقی نقل کرده است.

۲. طبرانی، معجم کبیر، غزالی، احیاء العلوم، ج ۱، ص ۳۰۶،
سبکی در شفاء السقام، ص ۱۶، سمهودی در وفاء الوفاء، ج ۴،

دوره یازدهم، شماره پنجم / ۱۷

هر کس، صرفاً به انگیزه زیارت من، به زیارتم
بیاید بر من فرض و لازم است که در روز قیامت
شفیع او باشم.

حدیث سوم

دار قطنی از عبدالله بن عمر نقل می‌کند که
پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود:

من حجّ فزار قبری بعد وفاتی کان کمن
زارنی فی حیاتی؛^۱

ص ۱۳۴۰ نقل کرده اند و علامه امینی آن را از ۱۶ مصدر نقل کرده است؛ الغدیر، ج ۵، صص ۹۷ - ۹۸.

۱. دار قطنی، سنن، ج ۲، ص ۲۷۸، باب المواقیت، ح ۱۹۳، شفاء السقام ص ۲۳؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۴؛ علامه امینی در الغدیر: ج ۵، ص ۱۰۱، حدیث را از ۱۳ مصدر نقل کرده است.

۱۸ / سفر برای زیارت

هر کس پس از درگذشت من، قبر مرا در هنگام حج زیارت کند، مثل این است که در حال حیات مرا زیارت کرده است.

حدیث چهارم

دارقطنی از ابن عمر نقل می‌کند که پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود:

من زارنی بعد موتی فکأنما زارنی فی

حیاتی؛^۱

^۱ . دارقطنی، سنن، ج ۲، ص ۲۷۸، باب المواقیت، ح ۱۹۲؛ بیهقی در سنن، ج ۵، ص ۲۴۶ و سبکی در شفاء السقام، ص ۲۱ سمهودی در وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۰ نقل کرده اند و علامه امینی آن را از ۲۵ مصدر نقل نموده است. الغدیر، ج ۵، ص ۹۸.

دوره یازدهم، شماره پنجم / ۱۹

هر کس پس از مرگم، مرا زیارت کند بسان این
است که در حال حیاتم مرا زیارت کرده است.
اکنون لازم است زیارت پیامبر را از دیدگاه
عترت طاهره (علیها السلام) بررسی کنیم.

زیارت پیامبر در احادیث عترت طاهره (علیها
السلام)

۱. امام باقر (علیه السلام) می فرماید پیامبر (صلی الله علیه
وآله) فرمود:

من زارنی حیاً و میتاً کنت له شفیعاً یوم القیامة؛^۱
هر کس مرا در حال حیات و ممات زیارت کند
روز قیامت شفیع او خواهم بود.

۱. حمیری، قرب الاسناد، ص ۳۱، مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷،
ص ۱۳۹.

۲. امیر مؤمنان (علیه السلام) می فرماید:

أَتَمُّوا بِرَسُولِ اللَّهِ حَجَّكُمْ إِذَا خَرَجْتُمْ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ،
فَإِنْ تَرَكَهَ جَفَاءً وَبِذَلِكَ أَمَرْتُمْ وَأَتَمُّوا بِالْقُبُورِ الَّتِي الزَّمَكُمُ
اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ زِيَارَتَهَا وَحَقَّهَا وَاطْلُبُوا الرِّزْقَ عِنْدَهَا؛^۱

زمانی که آهنگ زیارت خانه خدا کردید، حج خود را با زیارت پیامبر (صلی الله علیه وآله) به پایان برسانید، زیرا ترک زیارت او جفا به آن حضرت است و شما به این کار مأمور شده‌اید و با زیارت قبوری که به زیارت و اداء حق آنها از جانب خدای عزوجل ملزم شده‌اید حج خود را به پایان برسانید و از خدا در نزد آن قبرها روزی طلب نمائید.

۱. صدوق، خصال، ج ۲، ص ۴۰۶، مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۳۹.

دوره یازدهم، شماره پنجم / ۲۱

۳. امام صادق (علیه السلام) از رسول

گرامی (صلی الله علیه وآله) نقل می کند که فرمود:

من أتى مكة حاجاً ولم يزرنى إلى المدينة (جفانی
و من جفانی) جفته يوم القيامة و من جاءني زائراً
وجبت له شفاعتي و من وجبت له شفاعتي وجبت له
الجنة؛^۱

هر کس برای انجام وظیفه حج، آهنگ مکه کند
و مرا در مدینه زیارت نکند (به من جفا کرده است و
کسی که به من جفا کند) به او در روز قیامت جفا
می کنم. (شاید مقصود این است که در حق او
شفاعت نمی کنم) و آن کس که به زیارت من می آید

۱. صدوق، علل الشرائع، ص ۴۶۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷،

۲۲ / سفر برای زیارت

شفاعت من بر او واجب شده و هر کس که شفاعت من بر او واجب شود وارد بهشت می‌شود.
۴. امام صادق(علیه‌السلام) می‌فرماید پیامبر فرمود:

من أتانی زائراً كنت شفيعه يوم القيامة^۱!

هر کس به زیارت من بیاید روز قیامت شفیع او خواهم بود.

روایاتی که فریقین در این مورد نقل کرده‌اند، از حیث مضمون کاملاً با یکدیگر موافق و هم‌آهنگ است و محتوای همه روایات بر محور دو چیز می‌گردد:

^۱. ابن قولویه، کامل‌الزیارات، صص ۱۲ و ۱۴؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۴۲.

دوره یازدهم، شماره پنجم / ۲۳

الف - هر کس آهنگ مکه کند و پیامبر را زیارت نکند در حقّ او شفاعت نمی‌کند.

ب - هر کس به زیارت پیامبر برود، پیامبر در حقّ او شفاعت می‌کند.

به منظور رعایت اختصار، به هشت روایت فوق (۴) روایت از کتب اهل سنت و ۴ روایت از کتب شیعه) اکتفا کرده و طالبین تفصیل بیشتر را به مآخذ یادشده ارجاع می‌دهیم.

سفر برای زیارت مرقد پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) زیارت قبور مسلمانان به طور مطلق، و زیارت مرقد مطهر رسول خاتم (صلی الله علیه واله) به طور خصوص از مستحبات مؤکد در آیین اسلام است و محدثان شیعه و سنی روایات فراوانی در استحباب زیارت

۲۴ / سفر برای زیارت

مرقد آن حضرت نقل کرده اند که بخش مختصری از آن نقل شد و هیچ عالم اسلامی در استحباب زیارت مرقد پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) شک و تردید به خود راه نداده است حتی ابن تیمیّه که در مسایل مربوط به انبیاء و پیامبران نقش «شبهه سازی» را ایفا می کند در این مورد نه تنها لب فرونبسته بلکه بسان دیگران زیارت قبر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را مستحب دانسته است و فتوای ایشان، در بخش قبل، از نظر خوانندگان گرامی گذشت.

با توجه به استحباب زیارت مرقد، مسلمانان در برابر این هدیه الهی به دو گروه تقسیم می شوند:

۱. ساکنان شهر مدینه

دوره یازدهم، شماره پنجم / ۲۵

ساکنان شهر مدینه که افتخار هم‌جواری با رسول خدا (صلی الله علیه واله) را دارند بدون هیچ زحمت و رنجی می‌توانند بر این حکم استجابی جامه عمل بپوشانند.

۲. ساکنان نقاط دیگر

ساکنان نقاط دیگر برای زیارت قبر آن حضرت باید رنج سفر بر خود هموار سازند تا بتوانند در برابر کعبه قلوب بایستند و بگویند:

السلام علیک یا رسول الله

در اینجا سؤالی مطرح می‌شود که حکم این سفر از نظر شرعی چیست؟

پاسخ آن روشن است، سفر آنگاه که مقدمه مستحب قرار گیرد به عقیده گروهی از فقیهان

مستحب و به عقیده گروهی دیگر مباح خواهد بود و در هر دو صورت، سفر که مقدمه امر مستحب است نمی تواند حرام باشد زیرا معقول نیست که خدا ما را به انجام مستحبی (زیارت قبر پیامبر (صلی الله علیه وآله)) دعوت کند ولی مقدمه آن را تحریم نماید. از این رو باید گفت سفر برای چنین مقصدی امری جایز و مباح است.^۱

تاریخ اسلام نشان می دهد که پس از درگذشت پیامبر، مسلمانانی که دور از مدینه می زیستند، برای زیارت مرقد شریف آن حضرت، بار سفر می بستند و

۱. برخی از محققان معتقدند مقدمه مستحب، مانند خود او مستحب می باشد و با آیاتی (سوره نساء، آیه ۱۰۰، سوره توبه، آیات ۱۲۰ - ۱۲۱) بر این مطلب استدلال می کنند.

دوره یازدهم، شماره پنجم / ۲۷

به زیارت مرقدش می‌شتافتند، اینک نمونه‌هایی در
این مورد:

۱ - بلال، مؤذن و یار صمیمی رسول خدا و موردعلاقه او
بود. او پس از درگذشت پیامبر(صلی الله علیه
وآله) پاسداری از مرزهای کشور اسلامی را برگزید و
از مدینه هجرت کرد. شبی در رؤیا رسول خدا را دید
که به او می‌گوید: این بی‌مهری چیست؟! ای بلال! آیا
وقت آن نرسیده است که مرا زیارت کنی؟

بلال از خواب بیدار شد، درحالی‌که هاله‌ای از
غم و اندوه، روح و روان او را فراگرفته بود، مقدمات
سفر را فراهم کرد و آهنگ مدینه نمود. وقتی وارد
روضه پیامبر(صلی الله علیه وآله) شد، با صدای بلند
گریه می‌کرد و صورت خود را بر قبر آن حضرت
می‌مالید. ناگهان دو ریحانه رسول خدا حسن و

۲۸ / سفر برای زیارت

حسین (علیهما السلام) به سوی او آمدند، او هر دو را در بغل گرفت و بوسید، به او گفتند: علاقه مندیم اذان تو را بشنویم، اذانی که برای جدّمان رسول خدا می گفتی.

او به هنگام سحر به بام مسجد رفت و در همان نقطه که می ایستاد و اذان می گفت، ایستاد و اذان گفت. وقتی صدای تکبیر او مدینه را فراگرفت توگویی مدینه تکان خورد.

وقتی شهادت به توحید را بر زبان جاری کرد گریه مردم بلند شد و زمانی که شهادت به رسالت پیامبر (صلی الله علیه وآله) را بر زبان جاری کرد ساکنان مدینه همگی از خانه بیرون ریخته و گریه سر دادند.

دوره یازدهم، شماره پنجم / ۲۹

چنانکه نوشته‌اند: بعد از رسول خدا چنین روز را از نظر گریه و شیون به خود ندیده بود.^۱

۲. عمر بن عبدالعزیز افرادی را اجیر می‌کرد که از شام به مدینه بروند و سلام او را به پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) برسانند. سُبکی می‌نویسد: عمر بن عبدالعزیز گروهی را از شام به مدینه فرستاد تا به پیامبر سلام بگویند و بازگردند.^۲

۳. واقعی در فتوح الشام می‌نویسد: آنگاه که عمر با مردم بیت المقدس مصالحه کرد کعب الأحبار

۱. ابن عساکر، مختصر تاریخ دمشق، ج ۵، ص ۲۶۵؛ تهذیب الکمال، ج ۴، ص ۲۸۹.

۲. سُبکی، شفاء السقام به نقل از مناسک امام ابوبکر ابی عاصم النیل، ص ۱۴۳.

۳۰ / سفر برای زیارت

بر او وارد شد و اسلام آورد و خلیفه از اسلام او خوشحال شد.

عمر به او گفت: آیا می‌توانی با من به مدینه بیایی و قبر پیامبر را زیارت کنی و از زیارت آن بهره‌گیری؟

پاسخ کعب به درخواست خلیفه، مثبت بود و در بازگشت، همراه او بار سفر بست. وقتی عمر وارد مدینه گشت نخستین کاری که انجام داد وارد مسجد شد و به رسول خدا (صلی الله علیه وآله) سلام داد.^۱

البته ما نیازی به این گونه استشهادهای جزئی نداریم، زیرا همه مسلمانان در طول چهارده قرن بر جواز سفر، مَهرِ صحت‌نهاد و پیوسته کاروان‌ها از

۱. واقفی، فتوح الشام، ج ۱، ص ۲۴۴.

دوره یازدهم، شماره پنجم / ۳۱

نقاط دور به زیارت قبر آن حضرت رهسپار می‌شده‌اند.

سُبکی در مورد سیر پیاپی کاروان‌ها به‌سوی مدینه داد سخن داده و یادآور می‌شود که در تمام اعصار، زائران خانه خدا به‌قصد زیارت قبر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، راهی را برمی‌گزیدند که به مدینه منتهی شود و احیاناً به خاطر درک فیض زیارت آن حضرت، دورترین راه را برمی‌گزیدند که به این فیض عظیم برسند. سپس می‌گوید کسانی که می‌پندارند هدف از این سفر زیارت مسجد و گزاردن نماز در آن است، سخت در اشتباه‌اند، و ضمیر این زائران و گفتارشان برخلاف این نظر گواهی می‌دهد.

۳۲ / سفر برای زیارت

هدف آنان، چیزی جز زیارت قبر پیامبر و درود بر او نبوده و نیست.

چنانچه اجماع و اتفاق علما و مسلمانان گواه بر جواز شرعی یک عمل است، اتفاق امت در این مورد بالاترین اتفاقها است.^۱

دستاویز تحریم کنندگان سفر

تا پایان قرن هفتم همه علما در این مسأله اتفاق نظر داشتند که سفر برای زیارت، امری مباح بوده و مقدمه یک امر مستحبی اگر خود مستحب نباشد دست کم مباح و جایز است. ولی در اوایل قرن هشتم، ابن تیمیّه حدیثی را که ابوهریره آن را از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل کرده دستاویز خود قرارداد و با اجماع

۱. شفاء السقام، صص ۱۰۰ - ۱۰۱.

دوره یازدهم، شماره پنجم / ۳۳

علما به مخالفت برخاست. روایت مورد نظر ابن تیمیّه،
به سه صورت نقل شده است:

۱. لا تشدّ الرحال إلاّ إلى ثلاثة مساجد: مسجدی

هذا و مسجد الحرام و مسجد الأقصى؛^۱

بار سفر بسته نمی شود مگر به سه مسجد:

مسجد من، مسجد الحرام، مسجد الاقصی.

۲. إنّما يسافر إلى ثلاثة مساجد: مسجد الكعبة، و

مسجدی، و مسجد إيليا.^۲

۳. تشدّ الرحال الى ثلاث مساجد.^۳

۱. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۲۶، باب «لا تشدّ الرحال إلاّ إلى

ثلاثة مساجد» و صحیح بخاری، ج ۱ و ۲، ب ۷۵۴.

۲. همان.

۳. همان.

۳۴ / سفر برای زیارت

ابن تیمیّه به ظاهر این حدیث بنابر نقل اول تمسک جسته و مدعی شده است که برای انجام کارهای عبادی، فقط به سه مورد می‌توان سفر کرد، و زیارت قبر پیامبر که یک امر عبادی و مستحب است داخل در این سه مورد نیست. این استدلال با یک دقت کوچک کاملاً فرومی‌ریزد و روشن می‌شود که پایه درستی ندارند.

زیرا بنابر نقل سوّم، نهی از مسافرت برای غیر این سه مسجد نشده است و این نقل چون با سایر دلیل‌ها موافق است صحیح است نه نقل اوّل بگذریم، که اصولاً در صحتِ اساس این حدیث، شک و تردید جدی وجود دارد. زیرا حدیث از زبان رسول خدا (صلی الله علیه وآله).

ادعا می کند که سفر به هیچ مسجدی جز مساجد سه گانه جایز نیست، درحالی که محدثان نقل می کنند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در روزهای شبانه پیاده و گاهی سواره برای نماز گزاردن به مسجد قبا می رفت و در آنجا دو رکعت نماز می گزارد و مسجد قبا در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در دوازده کیلومتری مدینه قرار داشت.^۱

زنان و زیارت قبور

آیا زنان و مردان در زیارت قبور حکم یکسان دارند یا اینکه فقط مردها می توانند به زیارت قبور عزیزان

۱. صحیح بخاری، ج ۲، باب ۷۵۵ - ۷۵۷؛ صحیح مسلم، سنن

نسائی یا شرح سیوطی، ص ۳۷۲.

۳۶ / سفر برای زیارت

یا پیشوایان خویش بروند، و زنان از این فضیلت محرومند؟

روایاتی که درباره زیارت قبور وارد شده میان این دو صنف فرق نگذاشته و همگان را به آن دعوت کرده است.

تنها روایتی که دستاویز برخی کسان شده، روایت زیر است.

لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ زَوَّارَاتِ الْقُبُورِ؛ رسول خدا به زنان زائر قبور لعنت کرد.

پاسخ

۱. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۲، حدیث ۱۵۷۴-۱۵۷۶، سنن ابی داود، ج ۳، ص ۲۱۸، حدیث ۳۲۳۶ و در دومی به جای «زوارات» «زائرات» آمده است.

دوره یازدهم، شماره پنجم / ۳۷

این حدیث، صحت و شایستگی لازم، برای استدلال را ندارد، زیرا با سیره پیامبر و روش جاری در بین یاران او مغایرت دارد.

اولاً: اگر زیارت برای زنان حرام است، چرا پیامبر (صلی الله علیه وآله) همسر خود را به قبرستان بقیع برد و کیفیت زیارت قبور را به او آموخت؟! و این روایت قبلاً گذشت.

مسئلاً همسر پیامبر وقتی ماجرا را برای دیگران بازگو می کند زنان مستمع، آن را یک حکم عمومی تلقی می کنند، نه حکمی مختص به گوینده؛ یعنی همه زنان را دربرمی گیرد نه صرفاً عایشه را.

ثانیاً: فاطمه (علیها السلام) دُخت گرامی پیامبر (صلی الله علیه وآله) و یکی از

۳۸ / سفر برای زیارت

آل عبا(علیهماالسلام) پس از درگذشت پیامبر(صلی الله علیه وآله) به زیارت قبر عموی خود در أحد می رفت و در کنار قبر او دو رکعت نماز می گزارد و گریه می کرد.

حاکم نیشابوری پس از نقل این روایت می گوید: راویان این حدیث همگی ثقه و عادلند و از این حیث با راویان صحیح بخاری و مسلم فرقی ندارند.^۱

ثالثاً: ترمذی از عبدالله بن ابی ملیکه نقل می کند: وقتی عبدالرحمان فرزند ابی بکر در نقطه ای به نام «حُبشی» درگذشت، جنازه او را به مکه حمل کرده و در آنجا به خاک سپردند بعدها که خواهر او، عایشه،

۱. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۳۷۷، چاپ دارالمعرفه

دوره یازدهم، شماره پنجم / ۳۹

به مکه آمد به زیارت قبر عبدالرحمان رفت، و دو شعر که حاکی از شدت تأثر او بود بر سر مزار برادر خواند.^۱

در پایان یادآور می‌شویم؛ همان‌گونه که گفتیم، زیارت قبر عزیزان یک رسم جهانی بوده و به یک معنا ریشه در فطرت و آفرینش انسان دارد؛ و انسان در جایی که نمی‌تواند ارتباط فیزیکی برقرار کند علاقه‌مند است از پیوند روحی و معنوی بهره بگیرد. بر این اساس، جلوگیری از این کار، آن‌هم در حقّ زنانی که با بی‌صبری کامل در فراق عزیزان به سر می‌برند، با هیچ منطقی تطبیق نمی‌کند و نمی‌توان آن را جزو احکام الهی دانست.

۱. سنن ترمذی، ج ۲، باب ۶۲، ح ۱۰۶۲.

۴۰ / سفر برای زیارت

اصولاً زیارت قبور، جنبه عبرت‌آموزی و یادآوری آخرت دارد و با قرائت قرآن و فاتحه بر عزیزان همراه است؛ چگونه می‌توان زنان را از این فیض محروم کرد؟!

البته زیارت قبور باید از هر نوع گناه و خلاف پیراسته باشد و اگر به فرض نهی‌ای هم در کار بوده، شاید برای این بوده که در آن زمان، زنان این شرایط را رعایت نمی‌کردند.

زیارت قبور و حفظ اصالت‌ها

ما در طول این بحث، نوعاً از روایات اهل سنت بهره گرفتیم و به روایات فراوانی که محدثان شیعه در مورد زیارت قبور یا زیارت پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) نقل کرده‌اند (جز به نقل چند

دوره یازدهم، شماره پنجم / ۴۱

روایت) نپرداختیم. چنانچه در این مورد به کتاب های حدیثی شیعه مراجعه شود روشن می گردد که مسئله زیارت قبور یا زیارت پیامبر خاتم و ائمه اهل بیت (علیهم السلام) از مسلمات مذهب تشیع است و علمای این مذهب، کتاب های متعددی تحت عنوان «المزار» نوشته اند، که از آن میان، کتاب «کامل الزیارات» نگارش جعفر بن محمد بن قولویه (م ۳۶۷) تمایز خاصی دارد.

در اینجا اضافه می کنیم حفظ اصالت ها یکی از وظایف اسلامی ماست و مقصود از اصالت ها چیزی است که حاکی از واقعیت اسلام و استمرار آن در اعصار است.

دین اسلام یک دین جهانی بوده و تا روز رستاخیز، به عنوان کامل ترین دین آسمانی باقی و پایدار می باشد و از آنجا که ممکن است میان ما و رستاخیز، هزاران سال فاصله زمانی باشد، ما موظفیم آنچه را که بر اصالت اسلام دلالت می کند از گزند روزگار حفظ کرده و سالم به دست آیندگان بسپاریم. زیارت قبور پیامبر خاتم (صلی الله علیه وآله) و پیشوایان اسلام نوعی حفظ اصالت ها است و در صورت ترک زیارت، آثار و برکات این سنت نیز به مرور از بین می رود، تا آنجا که چه بسا برای آیندگان وجود چنین شخصیت هایی، حالت افسانه ای پیدا می کند!

دوره یازدهم، شماره پنجم / ۴۳

لهذا مسلمانان برای جلوگیری از این خطر بزرگ، باید کلیه آثار مربوط به رسالت و امامت را حفظ کرده و پیوسته از آن یاد کنند، و زیارت مراقد این شخصیت‌ها مایه یادآوری و حفظ آن‌ها از نابودی تدریجی است. در این صورت نمی‌توان این سنت و مزیت بزرگ را نادیده گرفت و باب دیدار روحی و معنوی با آن بزرگان را به روی مسلمین بست.

موفق باشید